مقدمه

اندیشه هر متفکری مبتنی بر مبانی اوست اصول فقه به عنوان مبانی فقه به طور کلی و فقه سیاسی به طور جزئی می باشد ما منقع شدن و واضح شده مبانی شیوه ها و آراء اصولی یک فقیه برای دانش پژوه دارد .

1. فهم مبانی و ریشه های نظریات وی در فقه سیاسی
2. در موضوعاتی که نظریاتی ارائه نکرده است می توان نظر او را برداشت نمود

در این خلاصه به بررسی هفت نظر از نظرات موثر امام در اصول فقه و تاثیرات آن بر فقه سیاسی اشاره می کنیم.

تعاریف مفاهیمی که در بررسی موضوع و فهم آن موثر است می پردازیم .

1. تعریف فقه از منظر امام خمینی هو القانون المعاش و المعاد و طریق الوصول الی قرب الرب بعد العلم بالمعارف

عناصر تعریف { 1- قواعدی مربوط به معاش (زندگی مردم) و معاد (آخرت)

سبب قرب الی الله می شود بعد از علم به معارف

1. تعریف اصول فقه قواعد ابزاری است که ممکن است کبری استنتاج احکام الهیه و وظایف عملیه واقع شود

عناصر تعریف { 1- قواعد ابزاری است نه بالاصاله پس اصول فقه علم ابزاری است

قواعدی که کبری قیاس حکم شرعی واقع می شود

1. نتیجه آن احکام کلی الهی است نه جزئی خلافا للفقه یا مقرراتی که وظیفه عملی و ظاهری را معلوم می کند .

تعریف سیاست : به برنامه ها و روشهای افراد ، گروه ها و احزاب حکومتها و دولتها ، برای وصول به اهداف ، سیاست می گویند.

1. تعریف فقه سیاسی : اصول و قواعدی در مورد سیاست درونی و تنظیم روابط درون امت . اصول و قواعدی در مورد سیاست خارجی و تنظیم روابط بین الملل و جهانی اسلام.

یکی از مخترعات امام نظریه خطابات قانونی است .

بیان مطلب : خطابات بر دو قسم است الف) شخصیه یعنی حکم به احاد مردم به صورت شخصی بیان می شود یعنی خطاب انحلالی است نسبت به افراد مشابه عام اثتقراقی .

ب ) قانونیه : مخاطب آن عامه مکلفین هستند و حکم منحل به عوامل جزئی نمی شود .

لوازم این دو خطاب { طبق اول : در صورتی که شخص مخاطب به هر دلیلی عاجز باشد

خطاب به آن مستلزم استحجان است .

طبق دوم : در صورت فرض فوق فرد مسئول مخاطب است و مستلزم

استحجان نمی باشد.

مبانی اثبات نظریه : 1 – متعلق عوامر طبیعت است. نه طبیعت از آن جهت که مرات افراد است . و نه نفس افراد و مصادیق خارجی طبیعت . زیرا که افراد خارجی مسقط امر هستند نه متعلق امر .

2-حکم از طبیعت به افراد سرایت نمی کند . به این معنا که تک تک افراد مورد حکم واقع نمی شوند. در آیه شریفه اوفو العقود . مقصود افراد عقد از آن جهت که عقد هستند لازم الوفا می باشند .

1. احکام شرعیه ناظر به نفس عنوان است و حالات موضوع در آن دخیل نیست به طریق اولی حالاتی که به موضوع به تبع حکم حاصل می شود دخیل نیست .
2. مراحل حکم دو مرتبه است الف ) انشایی. شارع حکم را به صورت عام یا مطلق صادر می کند . ب) فعلی : شارع قیود و تخصیصات حکم را بیان می کند .
3. قانونی بودن احکام شرعیه : شارع مقنن است حکم را برای موضوع در لسان ادله انشا می کند و افراد را لحاظ نمی کند به عبارتی دیگر موضوع حکم ، جامعه می باشد .
4. احکام شرعیه مقید به قدرت نیستند نه عقلا و نه شرعا
5. اهم و مهم متزاهمین هر کدام به نفسه ، برای مکلف مقدور و انجام آن ممکن است .

**تاثیر نظریه خطابات قانونی در آرای اصولی امام**

الف) عدم انحلال علم اجمالی در صورت خروج یکی از اطراف شبه محل ابتلا : طبق این نظر نسبت به فرد مبتلا به اجتناب لازم است چون خطابات شرعی قانونی است و شامل همه مکلفین می شود منجمله شخص عدم ابتلا .

ب ) در صورت شک در وجود قدرت علما قائل به احتیاط شده اند و این مبتنی بر این نظریه می باشد والا مجری برائت می شود چون شک در اصل تکلیف می باشد .

ج ) عدم نیاز به نظریه ترتب . به جهت اینکه اوامر طولی و عرضی قبیح است . طبق مبنای ما حکم نسبت به دو فرد طولا یا عرضا فعلیت دارد لاکن در مقام انجام معذور است .

د) اشتراک احکام بین عالم و جاهل ، قادر و عاجز ، مطیع و عاصی .

هـ) هل شرط متاخر : یعنی تاخر شرط از مشروط عقلا محال است . طبق نظر ما این مشکل حل می شود چون قدرت شرط تکالیف شرعیه است نه قانونیه لذا تکلیف به صورت قانون متوجه مکلف است.

**تاثیرات نظریه خطابات قانونیه بر فقه سیاسی ایشان**

1. شخصی از حاکم جاعر مالی گرفت آیا جستجو لازم است. محقق شیرازی قائل به تفسیر شده اند. الف ) اگر علم قدرت به قدرت یافتن مالک از طریق جستجو وجود داشته باشد، جستجو لازم است. ب) در صورت شک، اگر تردید بین کسی است که قادر به رساندن مال به اوست یا نیست. در صورت اول اگر شخص محدود به افرادی باشد که شخص قدرت یافتن آن را دارد جستجو واجب است. والا لازم نیست. طبق نظر امام جستجو واجب است. چون قیود بر دو قسم است { 1- شرعا و عقلا شرط تکلیف اند .

2- عذرهای عقلی برای انجام تکلیف هستند.

1. لزوم مبارزه با ظلم و انقلاب حتی در صورت شک به وجود قدرت.
2. عدم شرطیت قدرت برای وجوب امر به معروف.
3. عدم کفایت فقه شخصی برای اداره جامعه چون خطابهای شخصی پاسخگوی نیازهای عمومی جامعه نیستند لذا نیازمند قوانین عام و کلی می باشند.
4. هدف دین هدایت افراد در ذیل و ظل جامعه است.
5. لزوم انجام در صورت علم به غرض و هدف شارع. حفظ نظام یکی از اغراض شارع است. لذا قائل به لزوم به تشکیل حکومت می شوند.
6. طبق مبنای وجوب عقلی مقدمه: تشکیل حکومت لازم می باشد.
7. عدم اجرای اصول عملیه در مسائل حکومتی- اجتماعی. چون رابطه شخص با جامعه و با جواکع دیگر با خدا مطرح مطرح می باشد بر خلاف مسائل فردی.

استاد در این مقاله به ادله نظریه امام اشاره نکرده اند و ما از 4 مورد به دو مورد اشاره می کنیم انشا الله مفید خواهد بود:

1. وجدان: کسی که عده ای را به انجام کاری فرا می خواند بک خطاب برای همه آنها به کار می برد نه تک تک افراد حتی به صورت خطاب مستقل منحل شده. وقتی برای جعل حکم باری یک مجموعه، یک خطاب کفایت می کند. استمال خطابات متعدد هر چند به انحلال. لغو خواهد بود.
2. شیوه عقلایی قانون گذاری های عرفی.

منبع:

خطابات قانونیه مولف موسسه تنظیم و نشر آثار امام.

در پایان ما اشکالاتی به این مطالب داریم در فرضت مقتضی و طبق صلاح دید استاد عرض خواهیم کرد.